

بی هنران بدانند ایران تمدنی بیش از ۱۰ هزار سال دارد

خاکسار؛ عبدالعظیم رضایی که ۷۰ سال دارم و پنجاه سال در راه سر فرازی و سر بلندی خاک پاک ایران و ملت فرزانه ایران گام برداشته و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکرده ام خودم را خاک زیرپای هر ایرانی فرهیخته میدانم؛ زبانم به گفتن ایران و ملت ایران قلمم به نوشتن ایران و توده ایرانی؛ اندیشه ام ایران؛ گفتارم ایران و کردارم ایرانی است. چندی است که از فردی که از ملت و تاریخ و فرهنگ ایران بیگانه است و هیچگونه هنر و خردی در فرهنگ و تمدن و تاریخ ایران ندارد به پهنه تاریخ نگاری گام نهاده و خاک این مرز و بوم و ملت آن را با نا بخردی هرچه بیشتر پایمال می کند و شگفت آور آنکه برخی از نا بخردان دیگر از این فرد قدردانی و سپاسگذاری می کنند و به او ارج می نهند که خوشبختانه فرهیختگانی چون آقای جهانشاهی و سر کار خانم پریسا جعفری پاسخ هایی دندان شکن به او داده اند و خود من هم در فروردین ۱۳۷۸ در روزنامه (آفتاب امروز) پاسخی دندان شکن به آن فرد دادم و چاپ هم شد. اینان بدانند؛ ایران تمدنی خیلی بیش از ده هزار سال دارد. (کتاب به دنبال روشنایی یا تاریخ تمدن سه هزار ساله ایران؛ نوشته استاد عزیز طویلی) با خود می گفتم: بنشینم و صبر پیش گیرم دنباله کار خویش گیرم؛ ولی دیدم هفته نامه شما بیش از اندازه بی{...} را بزرگ می کند. پس بر آن شدم که ناگزیر پاسخ گفته های آنها را بدهم (چو ایران نباشد تن من مباد).

پیش از آنکه به گفتگو درباره جستار هخامنشیان و آریایی بودن آنها بپردازم؛ کوتاه سخنی درباره پیدایش واژه ایران؛ نامی که بر سرزمین کهن سال ما گذاشته شده می گوئیم: باید دانست این واژه بسیار کهن است و همانند خود آریایی ها زندگی بس درازی دارد و در زبانهای هندوایرانی به شکل (ایریه) و (آریه) و (اریه) که به معنای آزاده و نجیب است به کار می رفته و نامی است که هندوها و ایرانیان باستان به خود می دادند. در سنگ نوشته های هخامنشی (آریانام)؛ (ایران) و آریان و در شاهنامه استاد سخن روانشاد فردوسی (ایران) آمده است. در سنگ نوشته های هخامنشی؛ داریوش خود را آریایی می خواند و نیای پنجم داریوش؛ (آریارنا) نام داشته است (برای آگاهی بیشتر بنگرید به تاریخ ده هزار ساله ایران؛ جلد یکم نوشته نگارنده و گنجینه تاریخ ایران ۱۲ جلدی؛ جلد های یکم و چهارم و پنجم نوشته نگارنده) و اینک می پردازم به تاریخ فرهنگ و تمدن ایرانیان.

چارلز برلی تز نویسنده و پژوهشگر نامور انگلیسی می نویسد: (در پیمایش بررسی ها و کاوش های باستان شناسان؛ دیرینگی برخی از ابزار آغازین بشری به شرح زیر است:

۱- ابزار دست ساز یافته شده در باختر ایران ۱۰۰۰۰۰ سال

۲- تیر های دست ساز در مالاوی ۵۶۳۰۰ سال

۳- کان مس و بیرون آوردن مس ازکان رودزیا ۴۰۰۰۰ سال

۴- استخوانها با نشانه های گاهشماری در فرانسه ۳۰۰۰۰ سال و...

ایرانیان اندیشمند در ۷۵۰۰ سال پیش ابزارشخم زنی (خیش) را پدید آوردند (گنجینه تاریخ ایران؛ جلد یکم) و (تاریخ تمدن سه هزار ساله ایران نوشته استاد عزیز طویلی، انتشارات فروهر) ورزش باستانی ایران دیرینگی ۱۰۰۰۰ ساله دارد (تاریخ هرودت؛ جلد دوم) ایرانیان باستان تا آنجا که روشن شده به گیاه شناسی و درمان بیماران با گیاهان پیشینه توجه داشته اند و قدمتی ۱۰۰۰۰ ساله دارد (تاریخ طب در ایران دکتر نجم آبادی). "کارسزار" در ۸۵۰۰ سال پیش روی رودابه مادر رستم تهمتن انجام شد (به وسیله ثریت پزشک نامدار ایران) و پس از گذشت هزار سال این عمل سزارین روی مادر ژول سزار قیصر روم به وسیله پزشکان ایرانی انجام شد و با سد افسوس و دریغ که این کار پر ارج ایرانیان به نام ژول سزار (سزارین) نامیده شد در صورتی که بایستی رستمیون نامیده می شد (تاریخ طب در ایران؛ جلد یکم؛ دکتر نجم آبادی و تاریخ پلوتارخوس؛ تاریخ نگار یونانی).

ایرانیان در پیش به فن شعر گفتن آگاهی داشتند و با سبک ویژه ایرانی شعر می گفتند (گات ها سروده های اشوزرتشت) و (هشت هزارسال شعر پارسی در ایران؛ نوشته استاد دکتر رکن الدین همایونفرخ) ایرانیان هوشمند در بیش از ۷۰۰۰ سال پیش به فن آب کردن فلز آشنا بودند و کارگاههای ذوب فلزات پیشرفته ای داشتند (کتاب هفت هزار سال فلزکاری در ایران؛ نوشته استاد؛ دکتر محمد تقی احسانی؛ انتشارات علمی فرهنگی) ابزار جنگی و خانگی بیش از ۱۰۰۰۰ سال پیش در لرستان ساخته می شد نگاره های آنها را در جلد یکم گنجینه تاریخ ایران ببینید و همچنین در تمدن ایران باستان در کتاب استاد؛ دکتر علی سامی با نگاره آنها نگاه کنید (تندیس های شایان ستایش مهری دینان ایران را در ۱۲۰۰۰ سال پیش در

کتاب میترانیسم یا مهر پرستی در ایران نوشته استاد هاشم رضی و گردونه مهر نوشته دکتر بختورتاش نگاه کنید جمله خشته تره اهوری مزدا به معنی بنام خداوند بخشنده مهربان راکه در ۸۵۰۰ سال پیش از زبان و خشور ایران اشوزرتشت روان شد. در اوستا بنگرید و ببینید چه کسی پیش از آن والا مرد هوشمند ایرانی خدا به یگانگی پذیرفته و راه خوشبختی را برای نخستین بار چه کسی برای انسان ها پدیدار ساخته؟ اشوزرتشت برابر سندها و مدرکهایی فراوان در ۸۵۰۰ سال پیش چشم به جهان گشوده و برای نمونه چند تن از دانشمندان یونانی و ایرانی و هندوستانی رادر زیر می آورم: پژوهش های پیش از تاریخ ایران در سالهای ۱۳۳۸ خورشیدی (۱۹۵۹ میلادی) زیر سرپرستی "روبرت بریدوود" باستان شناس نامور آمریکایی در کرانه کرمانشاه انجام گرفت ابزار سنگی و تبر دستی مربوط به آشولین یافت شد و بریدوود بارادیوکرین دیرینگی آنها را در مرز ۷۵۰۰ سال تا ۱۰۰۰۰۰ سال پیدا کرده است (تاریخ تمدن؛ دکتر علی سامی) (این سال ها در کتابهای استاد ایرج افشار سیستانی آورده شده است) و بپردازیم به دیرینگی پیدایش اشوزرتشت: گر نبیند به روز و شب پر چشم چشمه آفتاب را چه گناه.

۱- اگزان توس Xantus نویسنده و تاریخ نگار پر آوازه یونانی که در سده ی پنجم پیش از میلاد می زیست، روزگار زرتشت را ۶۰۰۰ سال پیش از لشکر کشی خشایار شاه به یونان نوشته است.

۲- دیوژنی لر تیوس Diogenes - Lrtus پژوهشگری که در ۲۱۰ سال پیش از میلاد می زیسته سخنانی از اگزان توس یاد کرده و پیدایش زرتشت را همانند او ۶۰۰۰ سال پیش از خشایار نوشته وی افزون بر نوشته اگزان توس سخن دیگر هم از هر مودوروس شاگرد افلاتون یاد می کند و بنا به گفته او ، روزگار زرتشت را ۵۰۰۰ سال پیش از جنگ تروییا Toroya می داند .

۳- افلاتون - این دانشمند و پژوهشگر نامی در سال ۴۲۹ پیش از میلاد چشم به جهان گشوده و کتابی دارد به نام آلکی بیادس که در آن کس در آن کتاب ، پیدایش زرتشت را ۶۰۰۰ سال پیش از مرگ خود نوشته است.

۴- پلینیوس Plinyus دانشمند بزرگ رومی که در سال ۲۳ پس از میلاد زاده شده تاریخی به نام تاریخ طبیعی دارد که در آن کتاب زمان زرتشت را ۵۰۰۰ سال پیش از جنگ تروییا نوشته است.

۵- پلوتارخوس Plutarkhus یا پلوتارک یونانی در سال ۴۶ پس از میلاد زاده شده ، در کتاب خود می گوید : ۵۰۰۰ سال پیش از افلاطون و پنج هزار سال پیش از جنگ تروییا زاده شده است. (برای آگاهی بیشتر بنگرید به کتاب اصل و نسب و دیدنیها ایرانیان اندیشمند در ۱۴۰۰ سال پیش و ماه و هفته ها و روز ها و ماه و روزهای هفته آگاهی داشتند. برای نمونه پس از گذشت چهارده هزاره سال اکنون اروپاییان و آمریکاییان روزهای هفته ی ایران باستان را به لاتین در آورده و به نام خود نوشته اند که دو سه نمونه از آن را یاد آور می شوم. ایرانیان باستان یکشنبه خورشید روز می گفتند که امروز شده (سان دی) و دوشنبه را " ماه شید روز " می گفتند که امروز (مان دی) شده و.....(بنگرید به تاریخ نوروز و گاهشمار ایرانیان، نگارنده، نوشته نگارنده، چه اقبال) فردی که با بی هنری ویی سواد می نویسد واژه های ایرانی از عربی گرفته شده بگویند ببینم : "گزیت" ایرانی که در عربی " جزیت" شده، ایرانی است یا عربی؟

" مزگت " به معنی پرستش گاه و خانه خدا که در ۱۲۰۰۰ سال پیش در ایران ساخته شده و به عربی؟ واژه گنج که هزاران سال پیش از اسلام در ایران بود هوبه عربی "کنز" شده آن هم از عرب گرفته شده؟ واژه موبایل به معنی همراه که در بیش از ۱۱۰۰۰ سال پیش در ایران به این نام نامیده می شده است زبان ایرانی یا زبان بیگانه؟ دهها هزار واژه ی دیگر عربها و اروپاییان از ایرانیان گرفته و به نام خود کرده اند.

ناگزیر سخنی کوتاه درباره ی هخامنش برای هم میهنان می آوریم: هخامنش مردمی فرزانه و آریایی نژاد و از اهل پارسی بودند و تمدن درخشان بر پا کردند که تا آن روز و پس از آن کسی ندیده و نشنیده است. سنگ نیشته ها و منشور های کورش و داریوش که بر سر سازمان ملل متحد چسبانده شده نمایانگر تمدن و فرهنگ و دانش و بینش هخامنشیان و همه ی مردم دنیا بر آن تمدن آفرین می گویند و شگفت زده می شوند. هخامنشیان کسانی هستند که در تورات مقدس نام آنها به نیکی آمده و ستوده شده است و کورش و داریوش را رهاننده بنی اسرائیل یاد آور شده اند آیا برای ملت ما ایران جای سر افزای نیست که کتاب آسمانی تورات از شاهان هخامنشی یاد کند؟ اگر خط میخی را که هخامنشی ها بر سنگها نوشته اند از سومریان است باید دانست که سومریان هم نیاکان ما و آریایی نژاد بودند و نه سامی نژاد (در کتاب نیاکان سومری ها، نوشته دکتر سجادی) در باره ی راد مرد ایرانی فردوسی بزرگ پس از این سخن خواهم گفت و هم چنین درباره ی هخامنشیان.

در پاسخ یکی از سپاسگزاران دشمنان ایران بایسته است بگوئیم: که بودیم و رواست از دانشمندان تاریخ بپرسیم اکنون (کجاییم)

هر که مهر میهنش در دل نباشد کافر است

این سخن فرموده ی زردتشت پاک و برتر است

هست ایران مادر فرزند ایرانت پدر

کوششی کن گر تورا مهر از پدر وز مادر است

خسروان پیش نیاکان تو زانو می زند

این گواهم نقشه ی شاپورو نقش قیصر است

این همان ملکی است کاندرا باستان بینی دراو

داریوش از مصر تا پنجاب فرمان گستر است

عبدالعظیم رضایی- تاریخ نگار، نویسنده پژوهشگر، استاد پیشین تاریخ در دانشگاه

و خاک زیر پای ملت فرهیخته ایران

همانگون که در مقاله پیش گفتیم و در برگ هشتم هفته نامه "امید جوان" چاشده و صدها {۱۰۰} ها تن از دانشمندان و بزرگان فرهیخته ادب و تاریخ ایران به وسیله ی تلفن به من شادباش گفتند و مرا مورد آفرین قرار دادند. من حتی خواستم قلم خود را با نوشتن نام کسانی که تاریخ ما را خدشه دار می کنند در نوشته ام بیاورم:

ایرانیان در روزگاری بسدراز به این سرزمین پاک گام نهاده و چون در دامنه ی کوه ها نشیمن کردند و دامنه ی کوه را به زبان خودشان (پهلوی) می گفتند خودشان هم به پهلوی نام دار شدند. آقای ناصر پور پیرار که بدبختانه دانسته اند و نتوانسته اند بخوانند و درک کنند که می گفتم در ایران باستان جای نیایش و نمازگذاری را "مزکت" می گفتند و این واژه در عربی به "مسجد" دگرگون شده (لغت نامه ی دهخدا، واره ی مزکت و فرهنگ نفیسی نوشته ی نام الا اطبا و فرهنگ های دیگر) واژه "مهراب" در واژه نامه ها و بویژه در کتابهای استاد دکتر فریدون جنیدی و استاد هاشم رضی و دهخدا بخوانند و بدانند که همین "مهراب" به معنی به "ربخورشید" و نور و جای پاک و ارجمند بود که به زبانهای سامی راه یافت و در تورات و زبان عرب "محراب" نوشته شد. نیازی به دوباره گفتن ندارم، این آقا بروند و کتاب "تاریخ طب در ایران پیش از اسلام" نوشته دکتر فرزانه نجم آبادی برگ های ۲۲۹ تا ۲۳۴ و تاریخ "هرودت" و دیگر کتابهای دانشمندان تاریخ را بنگرد و ببینند که "سزارئون" نخستین بار روی مادر رستم (رودابه) در ۸۵۰۰ سال پیش انجام شده یا نه. درباره دیرینگی زایش زرتشت بروند و کتابهایی که در مقاله پیش گفتیم بخوانند و بدانند که فردی ملت ستیز و دشمن توده ایران هستند. تاریخ

ایران از روزگار هخامنشیان نیست بلکه هزاران پیش از هخامنشیان است آقای پورپیرارا. گر نبیند به روز شب پره چشم / چشمه آفتاب را چه گناه؟

برای اینکه از تاریخ ایران آگاهی یابید و بدانید که تاریخ یعنی چه به کتاب تاریخ حبیب السیر نوشته خواند مهر کتاب ۱۵ جلدی روضةالصفایا نوشته محمدبن خاوند شاه بن خاوند و تاریخ مردم؛ ایران پیش از اسلام نوشته استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب و کتاب (پارسیان اهل کتابند) نوشته پروفیسور رضوی و سدها کتاب تاریخ از دانشمندان بزرگ ایران و جهان و تاریخ ۱۰ هزارساله ۴ جلدی و گنجینه تاریخ ایران ۱۲ جلدی من نگاه کنید و این را هم بدانید که تاریخ ۱۰۰۰۰ ساله من به چاپ پانزدهم رسیده و ناشری بزرگ و ارجمند و با پیشینه سد سال چاپ و نشر و آبرومند آنها را به چاپ می رساند (اقبال) آقای پورپیرارا این را بدانید که شما آن توان و سواد آن را ندارید که بتوانید با گفته ها و نوشته های ناپاک و ریشخند آمیز و ملت ستیز خود؛ اشوزرتشت؛ ابن مقفع؛ ابن مقفع؛ مزدک؛ مازیار؛ مانی و سدها و هزاران پارسا و دلاور ایران را زیر پرسش ببرید.

زحمت من برای مقصودی است/ جست و خیز تو بهر ملتسمی است کساتی شما را واداشتند که نام با فر و شکوه ایران را خراب کنید و خود فروشی نمایید. من تاریخ فروش و بیسواد نیستم و خوشبختانه هم اندیشان بسیاری دارم و پنجاه جلد کتابهای من هم با سند و مدرک هستند. این شما باید که نابخرد هستید و خود را به مسخرگی زده اید و تنها بوده و مورد سرزنش و نکوهش خرد ورزان قرار گرفته اید. آیا شما می دانید که نه تنها ۵۰ درصد واژه های عرب از ایرانیان گرفته شده بلکه گروهی از اعراب نیز از نژاد و تخمه ایرانیان هستند. آقای پورپیرا من درد و رنج شما را می دانم کتابی که شما نوشته اید جوکی بیش نیست این را همه ناشران و نویسندگان می گویند. من پنجاه سال است تاریخ و ادیان می نویسم و هیچ یک از کتابهایم به بیش از شش ماه نکشیده؛ فروخته شده؛ ولی نوشته های شما بسیار ناپاک و ایران ستیز و آلوده به میهن فروشی است.

درباره گاهشماری و سزاریون و سنگ نوشته های داریوش و کورش و اشوزرتشت به اندازه ای بسنده در همه کتابهایی که ایرانیان و بیگاتگان نوشته اند و خود من در تاریخ های خودم که از سدها تاریخنگار و پژوهشگر نامور ایرانی؛ رومی؛ یونانی؛ هندی؛ و دیگران سند و مدرک آورده ام. اگر در پندار بیهوده شما؛ ریشخند آمیز و کثیف نیست بخوانید و از تاریخ ایران آگاهی یابید برای فرزندان این مرز و بوم بگویند که سرچشمه و منبع نوشته های شما از کجاست؟ برای من روشن است که از کتابهای نین و استالین گرفته اید؟ چون من همه سخنان و گفته هایم را با مدرک و سند آورده ام؛ شما هم مدرکی بیاورید. من دکترا در تاریخ و ادیان دارم و روزگاری دراز در دبیرستان ها و دانشگاه ها درس تاریخ و ادیان داده ام و هنوز نه خانه ای دارم نه ماشینی و نه اثاث خانه ای. مدرک دانش آموختگی شما چیست؟ آقای پورپیرارا اگر نمی دانید؛ بدانید که پیامبر گرامی و بزرگوار اسلام؛ ایرانیان را به دانش و فرهنگ ستوده اند و می فرمایند:

لو كان العلم معلقاً بالثریا لتناولہ رجال من الفارس (اگر دانش در ستاره ثریا باشد تیره عجم به آن دست می یابند) (کتاب مسندابن حنبل بخش ۱- جامع صغیر سیوطی- فارسنامه ابن بلخی- ترجمه تاریخ نیشابور به نقل از صحیح مسلم؛ برگ سوم (یکی از کتابهای صحاح سته-) سفینةالبحار (ماده فرس)- کتاب ضحی الاسلام(پرتو اسلام) نوشته ، احمد امین مصری ، برگ ۱۰۹ - کتاب نقش ایران در فرهنگ اسلامی، دکتر علی سامی، برگ ۱۹) هنگامی که پیامبر با فر و شکوه اسلام، درباره ایرانیان، چنین داوری می کنند. برای شما جایی نیست که ایرانیان چنین داوری می کنند، برای شما جایی نیست که ایرانیان فرزانه و خاک پاک ایران را به باد ریشخند بگیرد. مردمان کشور های جهان حتی برای خود اسطوره میسازند تا شاید برای ملیت و نژاد خود جایی بیابند و خودشانرا بشناسانند، ولی شما نجات ایرانیان را زیر پرسش برده اید. چرا؟ از چه کسی و کساتی و از چه جایی پول می گیرید که میهن و ملت ایران را پیمال می کنید و خوار می نمایید و خود فروشی و مزدوری می کنید؟

داغ ننگی زدی بر سر و پیشانی خویش

که به سد آب خزر ها نتوانیش زدود

شما نوشته اید " میهن ما" خیلی شگفت آور است که شما از میهنی دم می زنید! پس چگونه این میهن را به باد ریشخند گرفته اید و یاهه سرایی را به اوج رسانیده اید؟ نوشته های من و شما را مردم والای ایران دانشمند فرهیخته ایران و تازیخ گذاران فرزانه ی ایران داوری می کنند، تا چه پذیرفته شود و چه در دید آید. تا سیه روی شود آنکه در آن غش باشد. شما هخامنشیان را ولگرد و بی سروپا میدانید! آیا تاکنون کتابی در باره ی هخامنشیان از استاد دکتر محمد مقدم - تز دکتر علی سامی - از استاد دکتر غلامعلی همایون - تز پرفیسور عباس پور محمد علی شوشتری (مهرین) از استاد عبدالرفیع حقیقت رفیع - از استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب - از پروفیسور پی. یر بریان- از کامل ان اثیر و سدها تاریخ نگار و پژوهشگر

ایرانی و بیگانه خوانده اید؟ روشن و آشکار است که خیر؟ شما بزرگوار و دانشمندی چون روانشاد را زیر پرسش برده اید! کسی که نام ایران را با سند و مدرک، و با فرو شکوه کرده و بیگانگان به نام این بزرگوار سرفرازی می نمایند و به او پس از هزار سال آفرین می گویند و برایش هزارسال آفرین می گویند و برایش هزاره می گیرند. تا اندازه ای به خود بیاید و ببینید پیش از انقلاب چه کاره شده اید؟ شما می خواهید اینگونه خود را به مردم بشناسانید که تنها و تنها تاریخ نویس شما و همه ی تاریخ نگاران فرزانه ی ایران، دروغگو و دروغ نویس و بی سواد بودند و هستند .

شما اگر فرهنگ فارسی به پهلوی و پهلوی به پارس دکتر فره وشی را بخوانید آن هنگام خواهید دانست که دست کم ۵۰ درس و واژه های عربی، اروپایی و آمریکایی از ایرانیان گرفته شده است. در پیش از ایرانیان گرفته شده است. در پیش از ۸۵۰۰ سال پیش ما ایرانیان خط دین دبیره داشتیم که با ۳۲ حرف ساخته میشد در آن روزگار کدام کشور، خط و زبان داشتند؟ آیا خط میخی از سومریان که نیاکان ما بودند پس از هزار سال از خط دین دبیره گرفته نشده؟ واژه دوزخ پارسی در زبان عرب دوزخ نشده؟ آیا "پل چینونت" که به باور داشتند و دارند در زبان یهود و عرب پل صراط نشده است؟ آیا پادشاه که به معنی پاکی و پاکیزگی است در زبان های دیگر به وضو دگرگون نشده است؟ اشو زرتشت برای پیروان خود گفته تا آن روزگار، ملتی، کشوری و جایی این نیایش را میدانست. بس کنید و تا این اندازه به ایران و مردم آن نتازید.

شما با این نوشته های ننگین خود گفته تا آن روزگار، ملتی، کشوری و جایی این نیایش را می دانست. بس کنید و تا این اندازه به ایران و مردم آن نتازید.

شما با این نوشته های ننگین خود در پیشگاه ملت ایران رو سیاه هستید و خواهید بود. اگر به یاد ندارید و فراموش کرده اید، من به یاد دارم و در و در صورتی که بایسته باشد برای ملت خواهم گفت :

کسی که از پدران ننگ داشت نامرد است

که مرد را شرف باب مام، نام دهد

ز درس حکمت و آداب رفتگان مگس

که این گسستگی است خواری مدام دهد

نسیم صبح که بر سرزمین ما گذرد

ز خاک پاک نیاکان، تو را سلام دهد

خدانگهدار ملت هوشمند ایران باد

عبدالعظیم رضایی- تاریخ نگار، نویسنده پژوهشگر، استاد پیشین تاریخ در دانشگاه

درفش کاویانی



<http://derafsh-kaviyani.com/parsi/>